

بررسی الگوهای قرآنی در دعوت به هنجارها و پیشگیری از ناهنجاری‌های اخلاقی

تاریخ دریافت مقاله: مهر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: آبان ۱۳۹۹

جواد صیدانلو

سطح سه حوزه علمیه، دانشجوی دکترا کلام امامیه

نویسنده مسئول:

جواد صیدانلو



چکیده

اهتمام قرآن به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس با شیوه‌های متنوع، یک مسأله اساسی و زیربنایی است؛ زیرا تا این زیرساختها در جامعه به شکل درست تبیین نگردد مفاهیم اخلاقی هیچ ارزشی نخواهد داشت و مخاطبان شاید در مقطعی از زمان به برخی از هنجارهای اخلاقی عمل کنند ولی به دلیل عدم باور قلبی، بزودی از اذهان مردم پاک خواهد شد. نوشته حاضر درصدد بررسی الگوهای قرآن در روش‌های دعوت به هنجارهای اخلاقی است که با روش کتابخانه‌ای توصیفی و تحلیلی انجام شده است. نگارنده پس از تبیین مفاهیم اخلاق و هنجارهای اخلاقی، به بررسی زیرساختهای گزاره‌های اخلاقی موجود در قرآن مانند: اعتقاد به توحید، خودکرامتی و عزت نفس، نیت پاک، ایمان به معاد و... پرداخته و در ادامه با بیان روش‌های قرآن در دعوت و تقویت هنجارهای اخلاقی همچون استفاده از واژگان و مفاهیم متنوع در غالب داستان، تمثیل، تشبیه و تصویر سازی برخی از مفاهیم اخلاقی به نحو بسیار هنرمندانه با بیدارسازی وجدان، و نیز با تشویق و تنبیه مخاطب و دعوت به محاسبه مستمر نفس و تولید انگیزه در مخاطب و... به تقویت هنجارهای اخلاقی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها در زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد.

کلمات کلیدی: قرآن، اخلاق، هنجار اخلاقی، تربیت.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین اهداف نزول قرآن، تربیت اخلاقی انسان است و پیش‌نیاز تربیت اخلاقی، شناخت هنجارهای اخلاقی است. در قرآن، دعوت به سمت هنجارهای اخلاقی با اسلوبها و روش‌های متنوع و گوناگونی بیان شده است که این تنوع بیانات، یکی از مهم‌ترین راهبردهای قرآن کریم می‌باشد تا هر انسانی در مسیر تربیت اخلاقی بتواند از دریای بیکران این کتاب الهی به اندازه ظرفیت و توان خود بهره‌گیرد. قرآن کریم با استفاده از مفاهیم عام اخلاقی با تکیه بر وجدان اخلاقی انسان، تأکید بر رضایت و خشم خداوند، تأکید بر عنصر ایمان و در برخی از موارد با تهییج عواطف انسانی و دینی و با بازگویی پیامد رفتارهای اخلاقی، تکریم انسان و تلطیف در بیان الزامات اخلاقی و گاهی با تأکید بر رضایت و خشنودی خداوند و تشویق مؤمنان و تهییج عواطف انسانی و گاه با استفاده از داستان و تمثیل و تشبیه و تصویرسازی هنجارهای اخلاقی به زیبایی به هدایت انسان در مسیر پذیرش هنجارهای اخلاقی پرداخته است. در این پژوهش برآنیم با بیان شیوه‌های قرآن در دعوت به هنجارهای اخلاقی با تکیه بر علم لایزال الهی، این روشها را کاربردی ساخته تا بتواند راهگشای نهادینه سازی اخلاق در جامعه باشد و با توجه به خلاء موجود در روشهای بکارگیری شده در نهادهای متولی تربیت دینی و اخلاقی مانند خانواده، مدارس، دانشگاهها و حوزه‌های علمیه و سایر متولیان فرهنگ سازی سبک زندگی، این روش‌های استخراج شده از قرآن، راهگشای تربیت دینی و اخلاقی این نهادها باشد و از سویی بتوانند در جهت کاهش آسیب‌های اخلاقی که امروزه هم در فضای مجازی و حقیقی فراگیر شده نقش مؤثری داشته باشند.

۲. تعریف لغوی و اصطلاحی اخلاق**الف: اخلاق در لغت**

کلمه اخلاق بر وزن افعال جمع خُلِقَ (بروزن افق) با خُلِقَ (بروزن قفل) می‌باشد که به معنای خلیقه یعنی طبیعت انسان یا به معنای سجه و خوی، سیرت و باطن نیز آمده است. به عبارت دیگر، خلق را به صورت باطن و تصویر درونی و صفات مخصوص آن دانسته‌اند که در برابر خلق و شکل ظاهری انسان قرار دارد (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۸۵).

برخی در تعریف لغوی اخلاق می‌گویند: این کلمه از ریشه «خُلِقَ» به معنای نصیب و بهره مشخص می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۰۳، ۳۱۴). راغب اصفهانی در کتاب مفردات خود می‌نویسد: خُلِقَ و خُلِقَ در اصل به یک معنا می‌باشند مثل شَرِبَ و شُرِبَ. با این تفاوت که خلق مخصوص هیأت و اشکال و تصاویر قابل مشاهده با چشم است ولی خُلِقَ در صفات اخلاقی و قوای که فقط با بصیرت و با چشم دل دیده می‌شود بکار برده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ۲۵۴).

ب: اخلاق در اصطلاح

کلمه اخلاق از لحاظ اصطلاحی دارای سه معناست:

- الف: کلمه اخلاق در اصطلاح، گاهی به معنای لغوی خود یعنی صفات نفسانی می‌آید.
- ب: گاهی هم به عنوان صفت فعل بکار می‌رود؛ یعنی کار اخلاقی که منظور تنها صفات نفسانی نیست؛ اگرچه هنوز به صورت یک حیات راسخ در نفس پدیده نیامده و از روی فکر و تأمل و تروی هم انتخاب شده، ولی در عین حال، موصوف به اخلاق فاضله یا رذیله می‌شود (یحیایی، ۱۳۸۳، ۷).
- ج: گاهی نیز واژه اخلاق فقط در مورد اخلاق فاضله بکار می‌رود و می‌گویند: ایثار، اخلاقی و خوب است و یا دزدی غیراخلاقی و ناشایسته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۷۳).

ج: تعریف هنجارهای اخلاقی

با این که واژه هنجار در زبان و فرهنگهای گوناگون مفاهیم متفاوتی به خود می‌گیرد وجه اشتراک قابل تأملی بین آنها نیز به چشم می‌خورد. این واژه در زبان فارسی دو معنای نزدیک به هم دارد: ۱. راه، روش، طریق، قاعده و قانون؛ ۲. جاده و راه راست (آقاجانی، ۱۳۸۱، ۱۸).

بدیهی است براساس مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی حاکم بر فرهنگ جوامع، نوع هنجارهای حاکم بر آنها متفاوت است؛ یعنی ممکن است یک مقوله یا متغیر اجتماعی در یک جامعه امری بهنجار باشد و برعکس، در جامعه ای دیگر کاملاً نابهنجار به شمار آید. بدین ترتیب، هنجارهای اجتماعی، چگونگی روابط و رفتارهای اجتماعی و کنش‌های تقریباً تغییرناپذیر انسانی را مشخص می‌سازند. محدودیت‌هایی نیز در زمینه رفتار آدمیان به وجود می‌آورند و معین می‌کنند که انسان چه باید بگوید یا نگوید، چگونه بیندیشد، چگونه رفتار کند، چه اعمالی را انجام دهد و از انجام چه اعمالی بپرهیزد. آنها نشان‌دهنده باید و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند.

دین که به عنوان نظامی است از سوی خداوند و در قالب کتاب و سنت نازل شده و معیارها و هنجارهایی برای اندیشه، احساس و عمل دارد، می‌توان گفت، منظور از هنجار در یک جامعه دینی همانند جامعه ما، همه باید‌ها و نبایدهایی است که شرع مقدس اسلام با تکیه بر منابع چهارگانه اش (کتاب، سنت، عقل و اجماع) آنها را مشخص و بر لزوم رعایت و عمل به آنها سفارش می‌کند. بنابراین، هنجارهای دینی، هنجارهایی هستند که دین اسلام آنها را به پیروانش سفارش می‌کند و مسلمانان نه تنها خود موظفند بدان‌ها پایبند باشند، بلکه باید دیگران را هم به انجام آنها ترغیب کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ۸۵).

۳. زیرساختهای مد نظر قرآن در تبیین هنجارهای اخلاقی

رفتار و عمل به ارزش‌ها و هنجارها باعث تثبیت آنها می‌شود، لذا کسانی که به عقائد و ارزش‌ها پایبند نیستند، به تدریج تعلق خود را نسبت به آنها از دست می‌دهند. خداوند متعال در تدوین هنجارهای اخلاقی، زیرساخت‌هایی را مد نظر قرار داده است که قرآن مجید به آنها تصریح می‌کند:

الف: توحید باوری

یکی از مهم‌ترین مبانی و زیرساخت‌های اخلاق و هنجارهای اخلاقی، اعتقاد به توحید است. علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: «شجره طیبیه‌ای که قرآن از آن نام می‌برد که اصل آن ثابت و فرع آن در آسمان است، همان توحید است که فروع آن، اخلاق، اعتقادات و احکام می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۳۸۵).

بین هنجارهای اخلاقی و باور به توحید تلازم خاصی وجود دارد، یعنی روح توحید در اخلاق کریمه‌ای که دین اسلام دعوت به آن کرده، ساری و جاری است و روح اخلاق نیز در اعمالی که افراد مجتمع، مکلف به انجام آن هستند منتشر است (مطهری، ۱۳۸۷، ۵۱۰).

بنابراین، مهم‌ترین مبنای قرآن در تربیت اخلاقی و تکیه‌گاه قرآن در جهت انتشار هنجارهای اخلاقی در سطح جامعه توحید است. انسانی که معتقد است کارگردان اصلی جهان تنها خداوند است و نیازمندی‌های او، تنها با تدبیر خداوند، سر و سامان خواهد گرفت، دست نیاز به سوی دیگران دراز نخواهد کرد؛ در مقابل مشکلات بی‌تابی و کم‌صبری نخواهد داشت؛ زیرا او می‌داند که خداوند تنها ربّ او نیست، ربّ همه جهان است و امور را به بهترین شیوه هدایت خواهد کرد.

قرآن کریم با بیان توحیدی خاص خود، در صدد جذب قلوب مردم به سمت خداوند است و این مهم‌ترین اساس در تربیت اخلاقی است: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ» (بقره، ۲، ۱۸۶) «و زمانی که بندگانم از تو درباره من سؤال کردند همانا من نزدیکم.» اگر مؤمن و مسلمان بداند «وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره، ۲، ۲۳۱) و معتقد باشد که خداوند علیم است، قادر بی‌نهایت، عزت و حیات تمام عالم هستی از آن اوست. «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (ملک، ۶۷، ۱۴). آیا کسی که آفریده است نمی‌داند؟ با اینکه او خود باریک بین آگاه است»، «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (بقره، ۲، ۱۶۵)، خواهند دانست که تمام قدرت، از آن خداست»، «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، ۳۶، ۸۲۵). فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود». «مَنْ كَانَ يَرْيِدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر، ۳۵، ۱۰)، کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست؛». مسلماً با این نگرش توحیدی، شاهد تأثیر چشم‌گیری در تکامل هنجارهای اخلاقی و دوری از ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی، خواهیم بود.

ب: خود یا نفس

یکی دیگر از مبانی که به عنوان پایه و بنیاد اخلاق بیان محسوب می‌شود عبارت است از «خودی در اخلاق» که از آن به عنوان (اخلاق مکرمتی) نیز یاد می‌کنند (مطهری، ۱۳۸۷، ۵۱۰).

خودی در انسان، یعنی همان گوهر گرانبمایه‌ای که زمینه پرش و پرورش را در او به وجود آورده و از فرش تا عرش، او را به پرواز می‌آورد و از ملک به سوی ملکوتش می‌کشاند. «خودی»، زمینه ساز مقام و جایگاهی است که قرآن آن را (خليفة الله) (بقره، ۲، ۳۰)، شدن نامیده و فرشتگان را در برابر او وادار به کرنش و سرفروود آوردن و بزرگداشت و فراگیری دانش کرده است. همین (خودی) است که آدمی را شایسته برداشتن بار (امانتی الهی)، (احزاب، ۳۳، ۷۲)، ساخته است که آسمانها و زمینها و دیگر پدیده‌ها و آفریده‌ها از برداشتن آن سرباز زده‌اند. بر اساس همین خمیرمایه و شایستگی ذاتی است که تاج (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ)، (اسراء، ۱۷، ۷۰)، بر سر انسان نهاده شد و او در میان دیگر پدیده‌های جهان آفرینش، مقامی ویژه و برجسته یافت و خدای درباره او (أَحْسَنَ تَقْوِيمَ)، (تین، ۹۵، آیه ۴) و (أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ)، (مؤمنون، ۲۳، ۱۴) فرمود.

مفهوم (خودی) در قرآن همان نفس است که قرآن از آن به (نفس مطمئنه)، (فجر، ۸۹، ۲۷). و خود اطمینان و آرامش بخش یاد کرده که منشأ وقار و ثبات آدمی در همه میدانهای معنوی است. انسانی که به این خودی دست یافت، طوفانها و گردابها و

گردبادها او را متزلزل نخواهد کرد. امیرالمؤمنین (ع) در معرفی این (خودی) که زیربنای اخلاق الهی است می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَجَوْهَرَةٌ ثَمِينَةٌ مِّنْ صَانِهَا زَفَعَهَا وَ مَنِ ابْتَدَلَهَا وَصَعَهَا». (خود) انسانی گوهری ارزشمند است اگر آدمی درست آن را پاس بدارد، سربلندی و سرفرازی می‌یابد و اگر آن را ارج نهد، به پستی و پلشتی گرفتار آید (آمدی، ابوالفتح، ۱۳۷۴، ۴۶۵).

ج: نیت

نیت، عبارت است از در نظر گرفتن و لحاظ غایت و غرض هنگام انجام فعل (فلاح زاده، ۱۳۸۵، ۶۰)، براساس این تفسیر فعل فاقد نیت عبارت خواهد بود از فعلی ناآگاهانه و فعلی که ناشی از عادت است. زیرا در این دوگونه فعل، فاعل غرض و غایتی را در نظر نمی‌گیرند. بر این مبنا، پایه و اساس عمل اخلاقی دینی، نیت و انگیزه است. بدین معنا که هرچه نیت پاک‌تر و خلوص معنوی آن بیشتر باشد ارزش آن عمل زیاده‌تر خواهد بود (جوادی، ۱۳۹۰، ۱۳).

از دیدگاه قرآن، نیز هرگاه نیت غیر الهی باشد، حتی اگر آدمی مال خویش را انفاق کند، بهره‌ای عاید او نخواهد شد و کار او ارزش اخلاقی نخواهد داشت: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ... وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره، ۲، ۲۶۵). نیت یک مقوله اعتباری و قراردادی نیست، بلکه یک امر واقعی است که نتایج تکوینی دارد و اثری حقیقی و گریزناپذیر بر نفس فعل انسان باقی می‌گذارد. نیت است که عمل را با دل و جان آدمی پیوند می‌دهد و ثمرات آن کار را به عمق جان انسان ارزانی می‌دارد (عصیانی، ۱۳۸۶، ۱۲۷). در متون روایی هم بر اهمیت نیت و این که عمل به نیت بستگی دارد تاکید شده است. «أَمَّا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نُوِي» (مجلسی، ۱۳۸۱، ج ۷۰، ص ۲۱۲).

د: ایمان به خدا و معاد

پیامبران خدا هنگامی که برای دعوت امتها قیام می‌کردند، قبل از هر چیز اصرار داشتند آنها را با دو اصل توحید و معاد آشنا کنند. چون تمام اصلاحات در جامعه بشری منوط به ایمان به این دو اصل است. انسان اگر توجه داشته باشد که عالم هستی خدایی دارد که عالم الغیب و الشهادة است (حشر، ۵۹، ۲۲)، و در همه جا حضور دارد (حدید، ۵۷، ۴)، و ناظر بر همه چیز است (علق، ۹۶، ۱۴)، و به انسان از رگ گردنش نزدیکتر است (ق، ۵۰، ۱۶)، مراقب اعمال و رفتار و کردارش خواهد بود و هر کاری از او سر نمی‌زد. همچنین اگر ایمان داشته باشد که این عالم حساب و کتابی دارد (یونس، ۱۰، ۶۱)، و معاد و قیامت در کار است و برای کارهای خوب ثواب و نسبت به کارهای بد مجازات می‌شود (زلزال، ۹۹، ۸ و ۷)، اصلاح می‌شود و از زشتیها دست بر می‌دارد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۷، ۱۸۶).

اگر خلافکاران و سارقان و تبهکاران جامعه مشاهده کنند که چندین پلیس در همه جا مراقب آنهاست و تمام حرکات و سکنات آنها را تحت نظر دارد، دست از پا خطا نمی‌کنند. همچنین اگر ببینند که پلیس متخلفان را دستگیر کرده و آنها را تحویل دادگاه داده، و دستگاه قضا با جدیت به اتهام آنها رسیدگی نموده و تمام متخلفان را بدون استثناء مجازات می‌کند، به خود جرأت تخلف و سرقت و تبهکاری نمی‌دهند. بنابراین، لازم است متولیان فرهنگ سازی بویژه مربیان و معلمان مساله معاد باوری را در جامعه از طریق براهین عقلی و نقلی و... به اثبات برسانند و تمام ارزشهای اخلاقی و هنجارهای اخلاقی مورد پذیرش اسلام براساس آن را در جامعه ترویج کنند.

ه: ثواب و پاداش

یکی از مفاهیم بنیادی نظام اخلاقی اسلام، مفهوم پاداش است که بین آن و اعمال انسان، رابطه علی و معلولی تامی نظیر رابطه مسئولیت و الزام وجود دارد. یعنی اگر انسان عمل خیری انجام دهد هم در قوانین بشری و هم در قوانین اسلامی او را سزاوار پاداش می‌دانند و کسی که از دستورات سرپیچی می‌کند و عذری نداشته باشد، سزاوار جزا خواهد بود. چنانچه قرآن می‌فرماید: «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ وَ لَا يَرْهَقُ وُجُوهُهُمْ قَتْرٌ وَ لَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (یونس، ۱۰، ۲۶ و ۲۷).

پاداش و کیفر یا دریافت خبری که حاکی از پی آمد مثبت و منفی یک رفتار است، به عنوان انگیزه در رفتار بشر عادی بسیار مهم می‌باشد. بسیاری از انسان‌ها تا تشویق و تنبیهی نباشد رغبت و تمایلی به انجام کارهای خوب و ترک کارهای بد ندارد. انگیزه درونی به تنهایی برای تحرک کافی نیست؛ علاوه بر انگیزه و محرک درونی یعنی وجدان، که انسان را به انجام اعمال خوب تحریک می‌کند، انسان‌ها نیازمند آموزه‌های دینی همچون اعتقاد به وجود معاد، حسابرسی به اعمال بندگان هستند؛ زیرا اکثریت مردم چندان التزامی به ارزش‌های اخلاقی ندارند و کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که صرفاً به جهت علاقه به حقیقت، به ارزش اخلاقی پایبند باشند. بخصوص در برخی ارزش‌های اخلاقی مانند ایثار که جز با کمک دین و ضمانت اجرایی از جانب آن نمی‌توان توجیه معقولی برای عمل بدان ارائه داد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۱۸۳ و ۱۸۲).

۴. الگوهای قرآنی در تبیین هنجارهای اخلاقی

یکی از مهم‌ترین نیازهای امروز انسان در بعد فردی و اجتماعی، تربیت اخلاقی است که از اهداف مهم نزول قرآن محسوب می‌شود. پیش نیاز تربیت اخلاقی شناخت هنجارهای اخلاقی است. الگوهای قرآنی در تبیین هنجارهای اخلاقی با روش‌های متنوعی بیان شده است. تنوع بیان هنجارها از راهبردهای مهم تربیت اخلاقی است که ما در این مجال قصد داریم به بیان این الگوها از منظر قرآن کریم بپردازیم.

۱.۴. روش تنوع واژگان و مفاهیم اخلاقی

بیان مطلب به شیوه‌های متفاوت و مختلف، روشی کارساز است که قرآن در تعلیم و تربیت خود برگزیده است. در آیات بسیاری سخن از این است که قرآن یک مسأله را به شکل آیات مختلف بیان می‌کند. این مسأله از احکام قرآنی به «تصریف آیات» مشهور است. قرآن بیان می‌دارد که هدف از تصریف آیات و بیان متنوع یک مسئله به اشکال مختلف برای فهم و درک دقیق مسئله و مطلب برای مخاطب و شنونده است: «أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (انعام، ۶، ۶۵). لذا معلمان و مربیانی که مطالب و مبانی تربیتی را به زبان‌ها و اشکال مختلف به متربیانی می‌آموزند، گستره وسیع‌تری از آنها را تحت تربیت درآورده‌اند تا فقط از روشی خاص بهره جویند که عده‌ای خاص نیز آن را درک می‌کنند.

در واقع این روش متنوع بودن واژگان مورد استفاده قرآن طیف وسیعی از مخاطبان را فرا می‌گیرد و تمام رفتارهای اخلاقی را در بر می‌گیرد. انسان با بررسی گزاره‌های اخلاقی موجود در قرآن به خوبی به این تنوع واژگان اخلاقی پی می‌برد، به گونه‌ای که مفاهیم خیر و شر، حسنه و سیئه، فسق و فجور، معروف و منکر، عدل و ظلم، نور و ظلمت، حق و باطل، شکر و کفر، صلاح و فساد، هدایت و ضلالت، طاعت و عصیان و... از جمله مفاهیم عام اخلاقی قرآن کریم هستند که قرآن با این تنوع بیان، زمینه آگاهی و روشنگری عموم مخاطبان را فراهم آورده و تمامی لایه‌های تربیت اخلاقی انسان را در بر می‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۹، ۹۵).

۲.۴. تأکید بر وجدان یا فطرت

یکی از روش‌های قرآن در فرهنگ سازی هنجارهای اخلاقی و ترویج آن در دل‌های مؤمنین تأکید بر مسأله وجدان و فطرت می‌باشد. قرآن در برخی از آیات با تأکید بر وجود فطرت و وجدان، به بیان اصول اعتقادی می‌پردازد تا از این طریق اولاً اصول اعتقادی را در درون انسان محکم نماید و ثانیاً در سایه استحکام مبانی اعتقادی به تبیین فروع دین بپردازد، چنانکه می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰، ۳۰). پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن، این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

از این آیه معلوم می‌شود: اولاً، فطرت در همه انسان‌ها هست، نه اینکه مخصوص مؤمنان یا اعم از آنان و اهل کتاب باشد. ثانیاً، دین اسلام هم فطری انسان شناخته شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ۱۷۲). شهید مطهری نیز معتقد است: این آیه دلالت بر آن دارد که معارف عمومی دین، فطری است و رنگی است که دست حق در متن تکوین و در متن خلقت، انسان را به آن رنگ متلون کرده است (مطهری، ۱۳۶۹، ۱۶). علاوه بر آیاتی که دال بر فطری بودن گرایش به خداوند و عبادت او دارد، آیه دیگری در قرآن بیان شده است که دلالت دارد بر اینکه هر انسانی با فطرت و سرشت نخستین خویش، می‌تواند خوب و بد افعال را از یکدیگر باز شناسد، در سوره مبارکه شمس آمده است: «وَوَيْلٌ لِلنَّاسِ مِنْ سُوءِ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ. فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس، ۹۱، ۷)، سوگند به جان آدمی و آنچه جان او را سامان بخشید و فجور و پرهیزکاری را بدو شناساند. قرآن پژوهان، الهام فجور و تقوا را، معرفت فطری خوب و بد افعال تفسیر کرده‌اند. بنابراین، یکی از الگوهای قرآنی در تبیین هنجارهای اخلاقی، بیداری فطرت و وجدان انسان است که خداوند آن را در وجود تمام انسانها به ودیعه نهاده است.

۳.۴. روش حبّ عبودی

یکی از روش‌های قرآن در تربیت و تبیین هنجارهای اخلاقی استفاده قرآن از حبّ عبودی است. قرآن از طریق تفکر و شناخت خداوند، ذکر دائم و یادآوری نعمت‌ها و مسئولیت انسان در برابر خداوند پس از بیان آیات زیاد در خصوص شناخت انسان نسبت به خداوند و ایجاد و برقراری ارتباط عاطفی بین او و خالق هستی، تلاش می‌کند در انسان با تولید محبت در او نسبت به خداوند و لبریز نمودن وجود انسان از خداوند متعال از این زمینه سازی در رشد و تعالی اخلاقی انسان مؤمن و معتقد بهره برداری نماید و این میسر نیست مگر با حبّ عبودی یعنی محبتی که از روی عبودیت فرد و ناشی از شناخت توحیدی نسبت به خداوند است؛ محبتی که همه نقایص و تمایلات انسان را پاسخ می‌دهد، به طوری که برخی از صاحب نظران در این خصوص معتقدند: «مهم‌ترین روش تربیت اخلاقی مبتنی بر توحید، روش حبّ عبودی است» (طباطبایی، ۱۳۸۹، ۲۴۲).

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ». (آل عمران، ۳، ۳۱)؛ این آیه، نشانه محبت به خداوند را تبعیت از فرستاده او یعنی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌داند و نشانه محبت خداوند به بنده را آموزش گناهان او و مورد رحمت و مغفرت الهی قرار گرفتن، می‌داند.

آری: هر که را جامه ز عشقی چاک شد او ز حرص و عیب کلی پاک شد (حسن‌زاده‌آملی، ۱۳۸۹، ۳۲۰). خداوند متعال در قرآن خطاب به پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم) می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ؛ پس به لطف و رحمت الهی با آنان نرمخو و پرمهر شدی، اگر تندخو و سخت دل بودی، هر آینه از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس از آنها درگذر و برایشان آموزش بخواه» (مائده، ۵، ۵۴). بنابراین یکی از روش‌هایی که در تربیت اخلاقی و دینی انسان می‌تواند مربی را موفق نماید، محبت کردن و انتقال مفاهیم از طریق ایجاد مودت و دوستی به مرتبی می‌باشد.

۴.۴. روش بیان پیامدهای رفتار اخلاقی

یکی دیگر از روشهای قرآن در فرهنگ سازی هنجارهای اخلاقی و از بین بردن رذائل و ناهنجاری‌های اخلاقی، بیان عواقب و پیامدهای رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی است. به عنوان مثال خداوند در سوره حجرات با بیان تبعات و عواقب رذایلی مانند تجسس نابابجا، غیبت، تمسخر و ... مؤمنان را از ارتکاب این اعمال باز می‌دارد: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمُ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات، ۴۹، ۱۲). ویا با بیان آثار و پیامدهای رذائل اخلاقی چون بخل به انسان یادآور می‌شود که این رذیله باعث سقوط در آتش و محرومیت از دوستی خدا می‌شود (انعام، ۱۴۰). و در مورد بهتان و تهمت در برخی آیات اشاره می‌فرماید که این رذیله باعث گمراهی و محرومیت از هدایت الهی، سقوط و ذلت، ناکامی و تنهایی می‌گردد (نحل، ۱۶، ۱۱۶). آگاهی از پیامدهای عمل در مرتبی، انگیزه برای عمل اخلاقی ایجاد و یا آن را تقویت می‌کند؛ زیرا انسان معمولاً با انجام دادن هر رفتاری به دنبال نفع خویش است و وقتی بداند یک عمل ضد اخلاقی، در کنار لذت گذرا، زیانهای پایداری دارد، به احتمال قوی از انجام دادن آن سرباز می‌زند؛ چنانکه اگر بداند عمل اخلاقی در کنار مشقت موقت و گذرا، منافعی بلند مدت و مهم دارد، به احتمال قوی آن را انجام می‌دهد.

۵.۴. روش تکریم انسان و امر و نهی

قرآن کریم انسان را تکریم کرده و می‌فرماید: «وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۱۷، ۷۰).

سپس برای حفظ این کرامت و برتری، تکالیفی را بر عهده او می‌گذارد و انجام و ترک اعمالی از او می‌خواهد: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران، ۳، ۱۱۰). قرآن در همه مواردی که برای انسان تعیین تکلیف می‌کند، این اصل را در نظر می‌گیرد و در هر جا که رفتاری با این اصل ناهماهنگ باشد، به ترک آن و هر چیزی که این اصل را تقویت کند، بدان سفارش می‌کند. بنابراین یکی از شیوه‌های مهم بیان هنجارهای اخلاقی، توجه دادن به این اصل مهم یعنی حفظ کرامت انسانی و تقویت آن از طریق رعایت هنجارهای اخلاقی است که مخاطب قرآن با مطالعه آیات الهی در ابتدا به خوبی در می‌یابد که خداوند در کنار اصول و مقررات و بایدها و نبایدهای اخلاقی این اصل را شالوده تمام فضائل اخلاقی قرار داده است و ما نیز در طی مسیر هدایت و تربیت باید به اصل اساسی را سرلوحه کار تربیتی خود قرار دهیم.

۶.۴. بیان هنجارها و ناهنجاری‌ها در غالب تمثیل

یکی از بهترین روش‌هایی که می‌تواند معارف عقلی و مفاهیم معنوی را برای توده مردم تبیین کند، زبان «تمثیل» است. با این نوع بیان اهداف و آثار تربیتی گوناگون تعقیب می‌شود و با کمی دقت نظر و تتبع در تمثیلات نغز و زیبای قرآن کریم این حقیقت بخوبی آشکار می‌گردد. در واقع این مثال‌ها انگیزه‌ای است برای متفکران که درست بیندیشیند و درست نتیجه‌گیری نمایند. «وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَّاسٍ لِّعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر، ۵۹، ۲۱).

هریک از مثال‌های قرآن در اصل برای به تصویر کشیدن یکی از فضایل اخلاقی به منظور زیبا جلوه دادن آن در منظر عموم و تشویق مردم بدان و یا ترسیم یکی از رذایل اخلاقی به منظور زشت جلوه دادن آن در دیدگان و بازداشتن مردم از آن و در نهایت پاک نمودن صحنه‌ی جامعه از لوث زشتی‌ها و پلیدی‌هاست. بدین ترتیب، مثال‌های قرآن کریم را می‌توان یکی از معیارهای سنجش خوبی‌ها از بدی‌ها و ارزشها از ضد ارزشها قلمداد نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۲۹).

یکی از زیباترین مثال‌هایی که در قرآن ارائه شده، تصویری از یک عالم منحرف و دنیا پرست است که می‌تواند عبرت و نمونه‌ی بسیار خوبی برای کسانی باشد که مبتلا به این رذیله‌ی اخلاقی هستند: «وَآتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخْنَا مِنْهَا

فَاتَّبِعْهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ وَلَوْ شِئْنَا بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف، ۷، ۱۷۵ و ۱۷۶). در این تمثیل هم تحقیر نهفته است و هم ناپاک شمردن شخص مورد گفتگو، ولی در هر حال مفهوم اخلاقی با نقش انگیزی هنری، به صورت نغز و پر حرکت و به گونه‌ای نیرومند درهم آمیخته است. (سید قطب، ۱۳۸۳، ۵۶).

۷.۴. ارائه الگوها و نمونه‌های عملی

یکی از اصول راهبردی قرآن کریم در تربیت اخلاقی، استفاده از روحیه الگوپذیری انسان است. ارائه الگو از این جهت اهمیت دارد که اولاً، مرتب‌ترین رفتار اخلاقی را در عمل و با همه جزئیات و ظرافت‌هایی که در اجرای آن وجود دارد، مشاهده می‌کند و به همین سبب، نه تنها با خود رفتار اخلاقی، بلکه با شرایط تحقق آن تأثیراتی که بر دیگران برجای می‌گذارد و با جایگاه آن در مقایسه با سایر رفتارها پی می‌برد؛ ثانیاً، مشاهده عمل اخلاقی صادر شده از الگو، امکان عملی شدن آن را به صورت عینی برای مرتب‌ترین اثبات می‌کند و این از این جهت اهمیت دارد که ممکن است در ابتدا انجام برخی رفتارهای اخلاقی محال به نظر آید. ثالثاً، مشاهده رفتارهای اخلاقی الگو و زیبایی‌های آن موجب می‌شود در مرتب‌ترین گرایش و انگیزه اقدام به رفتارهای اخلاقی ایجاد و تقویت شود (داوری، ۱۳۹۱، ۱۲۵).

در تبیین الگوهایی از زنان مؤمن و کافر می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَ امْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ نَبِيًّا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم، ۶۶، ۱۰ و ۱۱). انسان کامل و تمام عیار انسانیت از ویژگی‌های مکتب اسلام است تا دیگران با الگو پذیری در صفات و روحیات به ایشان نزدیک و به خودسازی عملی بپردازد. همچنانکه خداوند درباره‌ی بعد اخلاقی آن حضرت می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۶۸، ۴).

۸.۴. روش داستان در انتقال مفاهیم اخلاقی

داستان، یکی از مؤثرترین راه‌های انتقال مفاهیم اخلاقی در قرآن است که در ذهن افراد ماندگاری جاودانه دارد. علامه طباطبایی (ره) ویژگی داستان‌ها و مثال‌های قرآن برای تربیت اخلاقی انسان‌ها را این‌گونه معرفی می‌کند: «اینکه خداوند داستان‌های انبیا را بیان می‌کند، عبادت‌ها، دعاها و طرز معاشرت‌شان را برای مردم مثال می‌زند، در واقع خود نوعی تربیت عملی است با ذکر جزئیات. آنچه در تمام آنها محور اصلی بحث قرآن است، هدایت توحیدی انبیاست و این اعتقاد درونی آنها به توحید است که در اعمال آنها بروز کرده است» (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۸۳). خداوند متعال جهت تکامل و تعالی بشر در ابعاد مختلف از این قالب هنری به بهترین وجه ممکن استفاده نمود. «نحنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَ ان كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ كَمِنَ الْغَافِلِينَ» (یوسف، ۱۲، ۳). بنابراین، داستان می‌تواند ابزاری برای تبلیغ صحیح دین باشد به شرط اینکه داستان نویسان و قصه نویسان مؤلفه‌هایی را که خداوند در بیان قصه‌ها مطرح کرده است با استفاده از قصه و داستان برای کارگیری تخیل افراد برای بارورسازی مفاهیم دینی استفاده کرده، و با ایجاد حس همدردی و تسکین دردهای مشابه با شخصیت‌های داستان پس از شنیدن سرگذشت دیگران نتیجه اخلاقی را به مخاطبان القا کنند.

۹.۴. روش برانگیختن عواطف

عواطف بخش اساسی از نظام پویای شخصیت آدم است. ویژگی‌ها و تغییرات عواطف چگونگی برقراری ارتباط عاطفی و درک و تفسیر عواطف دیگران نقش مهمی در رشد، سازمان شخصیت، تحول اخلاقی، روابط اجتماعی، شکل‌گیری هویت و مفهوم خود دارد.

این روش با توجه به فطرت اجرا می‌شود؛ موعظه یعنی کارهای نیک به گونه‌ای تذکر داده شود که قلب شنونده از شنیدن بیان آن رقت پیدا کند و در نتیجه تسلیم شود (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۱۶۳).

قرآن کریم نصایح لقمان به پسرش را بیان می‌کند که حقیقت توحید را به او می‌آموزد و سپس او را دعوت به عمل می‌کند: «وَهُوَ يَعْطِيهِ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۳۱، ۱۳). روش لقمان در نصیحت فرزندش، بیان توحید و معاد همراه با محبت است. خطاب عاطفی «یا بُنَيَّ!» یعنی «پسرکم!» برای برانگیختن احساسات و ترغیب به پذیرش است. بنابراین، از میان روش‌های ارشادی، روش عاطفی مؤثرتر است و درگیر کردن احساسات فرد برای رجوع به خویشتن، می‌تواند در پذیرش نصیحت جهت اصلاح، مؤثر واقع شود و این انگیزه‌ای مهم برای کسب فضایل و ترک رذایل است.

۱۰۴. مقایسه هنجار و ناهنجاری‌ها

یکی از راهکارهای تربیتی قرآن در تبیین هنجارهای اخلاقی روش مقایسه است. قرآن دو جبهه حق و باطل و خوبی و بدی و نیکان و بدان را به خوبی مورد مقایسه قرار داده و به تصویر می‌کشد. هرگاه انسان در مقابل چنین کلّامی قرار گیرد دست به مقایسه خواهد زد و با دیدن آثار و برکات حق و خوبی‌ها و تبعات سوء باطل و بدی‌ها، زمینه گرایش به حق و خوبی در او فراهم خواهد شد. در سوره‌ی مبارکه سجده آیه ۱۸ مؤمنان و فاسقان را این چنین مقایسه می‌کند: «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ»؛ در این آیه مقایسه‌ای که در آیات گذشته بود را به طور صریح‌تر روشن می‌سازد و می‌گوید: آیا کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق است؟! نه هرگز این دو برابر نیستند. این جمله به صورت استفهام انکاری مطرح شده، استفه‌می که پاسخ آن از عقل و فطرت هر انسانی می‌جوشد که این دو هرگز برابر نیستند، در عین حال برای تأکید با ذکر جمله لایستوون این نابرابری را مشخص تر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۹۵). بنابراین یکی از روشهای قرآن در تبیین و فرهنگ سازی فضائل اخلاقی روش مقایسه است که در اینجا انسان با رجوع به خود و فطرت خود می‌تواند به خوبی تفاوت این دو را درک کرده و مسیر و جهت حرکت خود به سوی صراط مستقیم را پیدا می‌کند.

۱۱.۴. روش بیان فلسفه و حکمت عبادات و ارزشهای اخلاقی

با مطالعه آیات قرآن به خوبی این مطلب به دست می‌آید که یکی از شیوه‌های قرآن در فرهنگ سازی و تبیین هنجارهای اخلاقی بیان فلسفه و حکمت عبادات و بیان آثار و نتایج عمل عبادی است. در واقع قرآن با قرار دادن اعمال عبادی، زمینه های لازم برای تربیت انسان را فراهم می‌سازد. به عنوان مثال: نماز یکی از اعمال عبادی است که در آیات کریمه بدان تصریح شده و در سیره‌ی معصومان و اولیاء الهی (علیه السلام) به اهمیت آن اشاره شده است. البته نماز جنبه‌های گوناگون دارد که یکی از جنبه‌های تربیتی آن بازداشتن انسان از زشتی‌ها و منکرات است. «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت، ۲۹، ۴۵).

یکی از فلسفه‌های مهم زکات این است که محبت به مال دنیا که منشأ آلودگی روح می‌شود، از دل برکنده شود و این فلسفه هم در انفاق واجب و هم در انفاق مستحب یافت می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ». از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک سازی و پرورش دهی» (توبه، ۹، ۱۰۳).

۱۲.۴. روش محاسبه مستمر نفس

مراقبه و محاسبه یک اصل در تربیت معنوی است. نفس آدمی، تمایل زیادی به بیراهه رفتن و گل آلود شدن دارد و اگر مراقبش نباشیم به زشتی‌های عالم ماده آلوده خواهد شد، و به آن عادت خواهد کرد. حضرت یوسف (ع) می‌فرماید: «وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِلَّا النَّفْسَ لَأَمَّارَةً بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (یوسف، ۱۲، ۵۳). مرحوم نراقی در جامع السعادات می‌فرماید: «محاسبه آن است که انسان در هر شبانه روز وقتی را معین کند که به حساب نفس خود برسد... مراقبه آن است که همیشه ظاهر و باطن خود را ملاحظه کند تا این که به معاصی نپردازد و واجبات از او ترک نشود تا این که هنگام محاسبه، ملامت و ندامت متوجه او نشود» (نراقی، ۱۳۷۶، ۲۴۳). پس باید به مرتب‌ترین روش مراقبت و محافظت از نفس آموزش داده شود تا بتوانند خود را مشمول رحمت پروردگار رحیم قرار دهد و از زشتی مصون بماند. آیات آخر سوره‌ی حشر نیز درباره‌ی نفس و مراقبت از آن است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ وَ لَّا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر، ۵۹، ۱۸).

۱۳.۴. روش پرسش و پاسخ

قرآن با طرح حقایق مربوط به معارف دینی، اخلاقی و اجتماعی در قالب سؤال، شنونده را به تفکر وادار می‌کند تا با فکر خود یکی را انتخاب کند. این روش که باید آن را روش (غیر مستقیم) نامید، اثر فوق العاده‌ای در تأثیر برنامه‌های تربیتی دارد، زیرا انسان معمولاً به افکار و برداشتهای خود از مسائل مختلف بیش از هر چیز دیگر اهمیت می‌دهد (جعفری، ۱۳۸۴، ۱۰۲). در روش پرسش و پاسخ، القای اطلاعات، همراه با تفکر حول محور مورد نظر صورت می‌گیرد. از این روی، ماندگاری اثر آن بیشتر خواهد بود: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ» (حدید، ۵۷، ۱۶). آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا خاشع گردد؟ بنابراین در فرآیند تثبیت هنجارهای اخلاقی در جامعه بنا به شرایط، گاهی مربی لازم است با طرح یک سؤال در ذهن مخاطب نتیجه را به عهده مخاطب بگذارد تا مخاطب با تعقل و تفکر درونی و بیدارسازی وجدان آن هنجارها را بپذیرد و یا اینکه ناهنجاری اخلاقی را کنار بگذارد.

۱۴.۴. روش تکرار هنجارهای اخلاقی

در برخی موارد بیدار ساختن افکار و وجدان ها ایجاب می کند که از یک موضوع در موارد مختلف به طور مکرر سخن به میان آید، لذا بعضی از نکات اجتماعی و اخلاقی در موارد متعدد بیان می شود و این نوع تکرار بر اساس پایه بلاغت است. در قرآن بطور مکرر از این روش استفاده شده است، از جمله: آیات ۵ و ۶ سوره انشراح، آیه ۱۰۷ و ۳۲ در سوره های اعراف و شعرا، آیه مشهور سوره الرحمن با ۳۱ بار تکرار، آیه ۹ و ۳۴ سوره مؤمنون و معارج، آیات ۷۳ و ۳۰، از جمله آیات قرآنی هستند که در یک سوره و یا چند سوره تکرار شدند.

۱۵.۴. روش تسهیل و تیسیر

یکی از اصول اخلاقی تربیت، اصل تسهیل و تیسیر به معنای آسان کردن و سهل انگاری کردن است و مراد آن است که در هر حرکت تربیتی راه های آسان و میسر به روی متربی گشوده شود تا میل و رغبت به ادامه راه در وی فراهم شود، و با متربی از سر ملایمت و مدارا رفتار شود تا بتوان راه را بر خود هموار سازد و به مقصود دست یابد (علیزاده، ۱۳۸۹، ۱۶). قرآن جلوه ای از اصل مدارا و تسهیل را در داستان حضرت موسی (ع) تبیین می کند:

موسی (ع) به آن معلم الهی قول داده بود که در برابر کارهایش شکیبایی پیشه کند و زبان به اعتراض نگشاید. ولی در اولین مرحله صبر و اختیار خود را از دست می دهد و بی اختیار او را زیر سؤال می برد. اما به یکبار به یاد تعهد خود می افتد و در مقام عذرخواهی بر می آید و به استاد خود می گوید: «قَالَ لَا تُوْخِذْنِيْ بِمَا نَسِيتُ وَلَا تَرْهَقْنِيْ مِنْ اَمْرِىْ عُسْرًا»؛ (کهف، ۱۸، ۱۸). ما نیز با الگو قرار دادن این روش تربیتی می توانیم مفاهیم دینی را برای افراد جامعه هدف خود، سهل و آسان نماییم و با بیان آیات قرآن چون «وَمَا جَعَلْ عَلَيْنِكُمْ فِيْ الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ»، «لَا يُكَلِّفُ اللهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا» (بقره، ۲، ۲۸۶). «يُرِيْدُ اللهُ بِكُمُ الْاَيْسُرَ وَلَا يُرِيْدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره، ۲، ۱۸۵). به دنبال راه های سهل و آسان در تبیین هنجارهای اخلاقی در بین مخاطبان و افراد جامعه باشیم.

۱۶.۴. روش ترغیب به دعا

حقیقت دعا برقرار کردن ارتباط با خدا و سخن گفتن با او و پرستش او است. هنگامی که آدمی در مقابل حقیقت بی کران الهی قرار می گیرد و او را جمال و خیر و کمال مطلق می یابد، در مقابل او احساس کوچکی می کند، او را می ستاید و می پرستد و تسلیم محض او می گردد. ترک دعا، گسستن ارتباط با خداوند و محرومیت ابدی و مطلق است که از هر غذایی دردناک تر است: «قُلْ مَا يَعْتَبُوْنَ بِكُمْ رَبِّيْ لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ» (فرقان، ۲۵، ۷۷). بگو: «پروردگرم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد».

دعا می تواند یکی از روش های تبیین هنجارهای اخلاقی قرار گیرد چنانکه قرآن نیز از این روش بهره برداری نموده و با بیان دعا از زبان برخی پیامبران، برخی از فضائل اخلاقی را بیان نموده است. در نتیجه، یکی از روش های تربیتی معصومین به ویژه دعاهای وارده در صحیفه سجّادیه و... انتقال مفاهیم اعتقادی و اخلاقی در پوشش دعا می باشد که می توان از این روش جهت فرهنگ سازی هنجارها و رویکرد و اقبال مردم به سمت پذیرش آنها استفاده نمود.

۵. نتیجه گیری

هدف اصلی و اساسی قرآن، هدایت و تربیت همه انسان ها، در همه زمینه های اعتقادی، سیاسی، اجتماعی بویژه مسائل اخلاقی در همه اعصار و مکان ها می باشد؛ چه آنکه انسان ها دارای فطرت الهی هستند و زمینه اجرای روش های تربیتی قرآن را دارند. رفتار و عمل به ارزش ها و هنجارها، نیازمند زیربناهای محکم اعتقادی است که باعث تثبیت آنها می شود و کسانی که به عقائد و ارزش ها پایبند نیستند، به تدریج تعلق خود را نسبت به آنها از دست می دهند، لذا خداوند متعال در تدوین هنجارهای اخلاق به زیرساخت های مهم هنجارهای اخلاقی از جمله: باور به توحید، نیت، توجه به خود و نفس، معاد باوری و توجه به ثواب و عقاب، تصریح می کند. قرآن کریم الگوهای متنوعی را برای دعوت به هنجارهای اخلاقی و پرهیز از ناهنجاری ها بکار گرفته است، که از جمله می توان به بیداری فطرت نسبت به فضایل اخلاقی، توجه دادن به کرامت انسانی، روش مقایسه ای، ارائه الگوی شایسته، روش بیان فلسفه و حکمت ارزش های اخلاقی، روش بهره گیری از داستان و تمثیل و تشبیه، تبیین فلسفه تکالیف و احکام، روش تکریم انسان، توجه به دعا و... اشاره کرد. امروزه شناسایی و معرفی این الگوها در بکارگیری تربیت اخلاقی در ساختاری منظم برای استفاده والدین، به ویژه مربیان و معلمان، و مسؤولین نهادهای فرهنگ ساز جامعه از ضروریات است.

منابع و مراجع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن منظور، محمد مکرم، لسان العرب، چاپ اول، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.
۴. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، چاپ دوم، دارالقلم، ۱۴۱۶ق.
۵. بهشتی، محمد حسین، شناخت از دیدگاه فطرت، چاپ اول، نشر آثار شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
۶. جعفری، محمدتقی، تعلیم و تربیت، چاپ دوم، موسسه نشر و آثار علامه جعفری، ۱۳۸۹.
۷. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، چاپ دوم، قم، اسراء، ۱۳۷۸.
۸. ———، عبدالله، فطرت در قرآن، چاپ دوم، قم، اسراء، ۱۳۸۴.
۹. جوادی، محسن، چشم اندازی به «اخلاق در قرآن»، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۱۳.
۱۰. خمینی، روح الله، دیوان امام، چاپ پنجم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.
۱۱. شبّر، عبدالله، الأخلاق، ترجمه محمد رضا جباران، چاپ ششم، هجرت، ۱۳۸۰.
۱۲. طباطبایی سید محمد حسین، المیزان، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴.
۱۳. عصبیانی، علیرضا، تفسیر موضوعی تربیت دینی از منظر قرآن، چاپ دوم، نشر بوستان دانش، ۱۳۸۶.
۱۴. علیزاده، مهدی و دیگران، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی، چاپ دوم، نشر معارف، سال ۱۳۸۹.
۱۵. فلاح زاده، محمد حسین، آموزش فقه، چاپ هفتم، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۱۶. قطب، سید، آفرینش هنری در قرآن، چاپ دوم، بنیاد قرآن، سال ۱۳۶۰.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ هفتم، دار حیاء التراث، ۱۳۷۹.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، «به سوی خودسازی»، چاپ چهارم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴.
۱۹. ———، «اخلاق در قرآن»، چاپ سوم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶.
۲۰. ———، اخلاق در خانواده، چاپ پنجم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، سال ۱۳۹۱.
۲۱. ———، بنیاد اخلاق (روش نو در آموزش فلسفه اخلاق)، چاپ هفتم، انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
۲۲. معلمی، حسن و دیگران، «مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی»، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، سال ۵، ش ۱، ۱۳۹۳.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، چاپ چهارم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۸۵.
۲۴. ———، تفسیر نمونه، چاپ پنجم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۵. ———، مثال‌های زیبای قرآن، چاپ دوم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۰.
۲۶. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ پنجم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
۲۷. ———، فطرت، چاپ پنجم، صدرا، ۱۳۶۱.
۲۸. ———، بیست گفتار، چاپ بیست و ششم، صدرا، ۱۳۸۸.
۲۹. نراقی، احمد، معراج السعاده، بی جا، جاویدان، ۱۳۸۵.